

قدرت عیسی بر ارواح – مرقس ۵: ۱-۲۰

ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

قدرت عیسی بر ارواح – مرقس ۵: ۱-۲۰

۱ به این ترتیب آن ها به طرف دیگر بحیره، به سرزمین جَدْرِیان رفتند. ۲ همین که عیسی قدم به خشکی گذاشت مردی که گرفتار روح ناپاک بود، از مقبره ها بیرون آمده پیش او رفت. ۳ او در میان مقبره ها زندگی می کرد و هیچ کس نمی توانست او را حتی با زنجیر در بند نگه دارد. ۴ بارها او را با کنده و زنجیر بسته بودند، اما زنجیرها را پاره کرده و کنده ها را شکسته بود و هیچ کس نمی توانست او را رام کند. ۵ او شب و روز در اطراف مقبره ها و روی تپه ها آواره بود و دائماً فریاد می کشید و خود را با سنگ مجروح می ساخت. ۶ وقتی عیسی را از دور دید، دوید و در برابر او سجده کرد و با صدای بلند فریاد زد: «ای عیسی، پسر خدای متعال، با من چکار داری؟ تو را به خدا قسم می دهم مرا عذاب نده.» ۸ زیرا عیسی به او گفته بود: «ای روح ناپاک از این مرد بیرون بیا.» ۹ عیسی از او پرسید: «اسم تو چیست؟» او گفت: «اسم من لژیون (لشکر) است، چون ما عده زیادی هستیم.» ۱۰ و بسیار التماس کرد، که عیسی آن ها را از آن سرزمین بیرون نکند. ۱۱ در این موقع یک گله بزرگ خوک در آنجا بود که روی تپه ها می چریدند. ۱۲ ارواح به او التماس کرده گفتند: «ما را به میان خوک ها بفرست تا به داخل آن ها شویم.» ۱۳ عیسی به آن ها اجازه داد و ارواح ناپاک بیرون آمدند و در خوک ها داخل شدند و گله ای که تقریباً دو هزار خوک بود، با سرعت از سرایشی تپه به طرف بحیره دویدند و در آب غرق شدند. ۱۴ خوک بانان فرار کردند و این خبر را در شهر و اطراف شهر پخش کردند. مردم از شهر بیرون آمدند تا آنچه را که واقع شده بود، ببینند. ۱۵ وقتی آن ها پیش عیسی آمدند و آن دیوانه را که گرفتار فوجی از ارواح ناپاک بود دیدند، که لباس پوشیده و با عقل سالم در آنجا نشسته است، بسیار ترسیدند. ۱۶ کسانی که شاهد ماجرا بودند، آنچه را که برای مرد دیوانه و خوک ها واقع شده بود برای مردم گفتند. ۱۷ پس مردم از عیسی خواهش کردند از سرزمین آن ها بیرون برود. ۱۸ وقتی عیسی می خواست سوار کشتی شود، مردی که قبلاً دیوانه بود، از عیسی خواهش کرد که به وی اجازه دهد همراه او برود. ۱۹ اما عیسی به او اجازه نداد بلکه فرمود: «به منزل خود پیش خانواده ات برو و آن ها را از آنچه خداوند از راه لطف خود برای تو کرده است آگاه کن.» ۲۰ آن مرد رفت و آنچه را عیسی برایش انجام داده بود، در سرزمین دکاپولس منتشر کرد و همه مردم تعجب می کردند.

پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟
این برای شما چه معنای دارد؟
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

ختم کردن جلسه
تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.